

جای اداره کتبا

مدیر - غلامحسین کنانی

ملکرافات و مکاتیب

باید بعنوان میل باشد

فوسن جنگل

براه چارنمره طبع و توزیع خواهد شد

کت نمره قیمت ششاهی

کتابخانه

۱۳۳۵

تخصیص اجرت لوابیح و اعلانات
خصوصی با دفتر اداره است

مکاتیب بدون امضا
و عنوان پذیرفته نمیشود

در بزرگ جلد نمره دریافت میشود

قیمت اشراک

یکسال ۵۰ تومان

بایع شنبه غزه صفرا المظفره ۱۳۳۵

این روزنامه فقط نگاهبان حقوق ایرانیان و متور افکار اسلامیان است

انالله وانا الیه راجعون

آقای حاج علیقلی خان سردار اسعد کلبجاری که فدکاری و معارف پروری ایشان زینت بخش صفحات تاریخ ایران است بغوت خود عالم حریت و معارف را عباد نمود ما خود را با ایل جلیل کلبجاری و این مصیبت بزرگ شریک دانستیم و بجموم آن فدکاران غیور خصوصاً حضرت مصمصام که سبط نسل و تقویت تقدیم داشته .

امید داریم بچنانیکه در تحصیل آزادی امتحانات عظیمه داده اند در حفظ استقلال ایران و دفع تجاوز انگلیس بیگگونه مشکلاتی بر او نکرده و باثر خیالات وطن پرستانه آن سردار حریت پرور در قیام نموده و نام یک خود را الی الابد پاینده و محفوظ دارند .

ملکرافت بیت مقدس اتحاد اسلام
حضرت مستطاب اشرف آقای مصمصام سلطنت و است
شوکت العالی فاجعه فوت مرحوم غلامحسین سردار
اسعد طاب ثراه قلوب همه مردم ایران را متاثر گردانیده
کرده خدمت و فدای کار بهای قابل تقدیری که از عقیده
معظم در این چند سال اخیر با تفاق خاندان نبیل و
ایل جلیل او در راه وطن عزیز ما (ایران) بمقتضای بر فرد
ظهور رسیده بر حریه عالم ثبت و زندگی جاویدانی او

و سعادت و عظمت این دوده بزرگ را در دلهای
عموم ایرانیان نقش بسته و بسبب جامع حال و
استقبال این آب و خاک سر مشق خوبی داده است
آرشی رنگینی دو حضرت جاوید و بس ذکر پر
باشد نماز کس سخن گفتن نبرد کردار نیک
ایک در این موقع این فدایان بدین وسیله
مراتب تأسف و تلهف و شرکت خود را در این
مصیبت عظمی و حادثه کبری بحضرت اشرف و

آقای سردار اسعد کلبجاری

دوده آن فقید ما را ندیم و امیدوار که سران و
 بزرگان و همه ایل طویل تنبیری باقیه است و
 و غریب حضرت اشرف حفظ و تکمیل بیان رو
 سوده نموده گوی سعادت و شوکت و استقلال
 ایران را به دست و چون کان حسن عملیات مبار
 فرزندان وطن در ظل عنایات اعلی حضرت شهرت
 تاجدار سلطان احمد شاه قاجار خلد الله ملکه و سلطانه
 برساند - هفت اتحاد اسلام -
 متعاقب وصول این خبر حشمت ابریت
 مقدس اتحاد اسلام و غموم قدسیان
 جنگل با کدنیات آشف با غای غزوات لیلخان
 نماینده هفت مقدس دستور انعقاد مجلس
 ترجمیم در رشت داده
 نماینده محترم نیز مطابق اول هفت
 مقدس مجلس ترجمیم تا شکوهی منعقد
 عموم طبقات مختلفه با حال سوگور می میر
 نموده روز سوم مجلس به دعای و آ
 اقدس ملوکانه و عاقبت شوکت و دولت
 ملت ایران ختم گردید .
 مدخلات حشمت کساره انگلیس در ایران
 تجاوز انگلیس مسئله طویل خوب و مظالم آنها اخیرا در
 از قضایای خیلی مهمت ملکت بلا دیده باشد و در کم
 مفاسد و خرابیهای بی اندازه که فعلا سر تا سر ابراز
 فرا گرفته عموم مردم ملی و افراد حاسس ایرانی این
 مسئله را خصوصاً پیش از سایر مسائل بگزار در نگاه
 دولت و قاضین ملت مطرح نموده و بهر روز
 همگی را به دعوت عواقب این کار و استعلاج

فوری این مرض مملکت متذکر میمانند
 ملی مسئله طویل خوب با سایر تجاوات سابقه و
 لاحق بریطانی از نقطه نظر استقلال و تمامیت
 ایران و حیات اجتماعی و ملی ایرانیان فوق العاده
 دارای اهمیت و لطیفه یک عضو بزرگی از اعضا
 مملکت ما غیر قابل تحمل و نمیتوان آنرا سرسری نهاد
 و یا مانند سایر روایات الهیه بلا قیدی گذرانند
 در این موضوع هر چه نویسیم و بگوئیم باز کمتر است
 و گفته ایم باید هر روز فریاد کشید و بهر ساعت می
 تمدن را از ناله پر نمود و از دود آه مطلوبانه و به
 وقت فضای عالم را تاریک و کدر ساخت باید بی
 پرده بی تامل بدون ملاحظه بدون هیچ گونه خوف
 و هراس از شیایع و فحایح اعمال انگلیس خدار
 و یک چنین اقدام بی رحمانه و بشیرانه که در مملکت
 بی چاره مملکت به طرف مملکت بی آزار عمل آمده
 و می آورد و تمام دنیا گوشزد نمایند استمداد کنیم
 استرعام کنیم استغاثه کنیم دولت مضاربه خاصه
 دولت تانازونی که حمایت انگلیس ظالم را با هم
 حمایت از ظل مطلوبه عذر محاربه خود قرار داده و
 بناله های خود نمایم و مکر در مافوقه شکیبایی نیست
 پیش از این حالت صبر و بردباری بی بی غیرتی و
 بی حتی تعبیر میشود و دیگر نمیتوانیم فریاد های خود را
 در سینه حبس نمایم باید بی ملاحظه تراکت مصروفی
 نبره بریزیم چرا انگلیس بجایه ما دخالت می کند
 انگلیس استقلال با تفرق میرساند انگلیس و با
 ما را با زیر چو قرار میدهد انگلیس ابناء وطن را را
 معقول و صلوات میکند انگلیس مملکت را در آ
 میباید این جاد بگر جای تراکت نیست و بلکه

چرده ناموس بارادیدند و حرمت ناراکه دادند
آبروسی بارانینشد فرزندان وطن بارایر حجاب
کردند دیگر چه تراستی !!!

ما این کلمه بمعنی دکلمات پوچ دیگر از قبیل
تدن انسانیت که بایاد داده ویا برای پانجه
بودند بخود تمدن پس میدیم بی پرده و بدون
مراعات این کلمه دروغ بمعنی پرداخته مسکونم
بریطانی ظالم است ، بریطانی حق کش است ،
بریطانی دشمن عدالت است ، بریطانی خصم مل
مطلوبه است ، بریطانی یک قرن است مثل مجاز
مجاز بجان ما افتاده بی من و جمال ولی انکه در
محبوبتی در قلب حریف خود احراز نماید هر لحظه
برسایس مکارانه یک قسم مشوه و حسن در صورت
عبوس و مغرور خود ایجاد نموده بایک عبده بانی
و تروستی که مخصوص و سیلو ماتهایی لندن است
حریف ساده خود از فریفته گاهی هم باز در اعمال
قره گاهی بوسائل محیله از طعنازی و مخالگی خود
استفاده نماید .

آخر برای چه انگلیس از ما چه خواهد گاهی باروسه
متبند متحد ازمانی منفردا ما را تهدید کرده و آغاز
دشمنی و ستیزه مینماید گاهی باطهار و دستهای
و به طبیعت بی خبران و بفرستادن نماینده و
کارکنان متعدد در طهران و جاهای دیگر باران
داشته و در عین همان اظهار دوستیهای بی
اصل ضربه خود را بحیات استقلال ما وارد میکند
بی رضای ملت ما امتیاز میگیرد بی تصویب
دولت مشروطه ما را بحملکت مانعاده می بندد
برای تقسیم خانه ما منطقه نفوذ تعیین میکنند باطله

خود میر و خود میدوزد هم مدعی است هم مدعا
علیه هم شاه هم هم ماک زهی پرده ای با یک چنین
اقدام شیخانه از طرف دولت بزرگی مثل انگلیس
بیک دولت قدیمیکه حوادث طبیعت و شهوت
زانی ز نام و این جابش او را بحال ضعف و نا
توانی انداخته و در این موقع که در خیال ترمیم
خرابه های باضیه هستند اقدام بی شرفانه منت
آیا بر خلاف اصول انسانیت و مردود گشت
آیا این عملیات و این تجاوات و این بی رحمی
و این دور و بی شبیه با جمال همان مجاز فرزند
که میرواهند به سیرنگ بدسایس ویا بتراغ و اسب
حریف خود را تسلیم نمایند منت !

بقول جرجی زیدان نویسنده شهیر مصری
پس از وقوعه و خانیات ایران و قاره آقیانوس
خیالات انگلیسها در ایران تا اندازه عظیم مانده .
دولت بریطانی را تا شرفوق العاده مصادف
نموده کابینه لندن همواره مترصد است جبران
گذشته نموده و نفوذ محکمی در ایران تحصیل نماید
باین جهت بوسائلی که بر خلاف هر حقیقت است
تشتت خسته از یکطرف و سهوا را بداخله و تهدید
تشجع از طرف دیگر خود بدرون و بقیه غفلت
شغول عملیات و محکم نفوذ کرده دیده ظاهر خود
را عقب کشیده باطن را در سهوا را بجان ایرانها
می انداخت پس از تشکیل قراقرانه و نفوذ که دو
روس تشکیل آن حاصل کرده انگلیسها خبردار
گردیدند که ملتیک شان در ایران در سنگها
افتاده و با اشکال مطلب افزوده شده مجبورند
که از خود دولت روس و نفوذ آن دفاع

گویند باین جنبه با معاهده معدوم ۱۹۰۷ و ناسا شبیه
 متعاقب آن وارد شده تدریج بای تقبیل
 تجا در گذشته هر محلی که از نفوذ و استیلا
 روس قدری راحت شد بلافاصله تسلط و نفوذ
 خود را دوباره بر ثبیت میکند این مسئله محل بیت
 که انگلیسها به تشکیل مجلس جنوب بعارت ساره
 بادست ایرانها ایران را میخوانند نیز نمایند
 باین حال وظیفه ایرانها چیست؟ دولت
 مقابل این حق شکنی با آنچه رویه اشتنا کند دولت
 برای جلوگیری از این بلا می مبرم چه تکلیفی است؟
 آیا باز هم باید گفت و فحاشند که دیانت ملت
 و غیرت و ناموس پرستی مقتضی است که عموم
 ایرانیان دست و پا و اطفال بجم داده و متفقا
 این دست تجا و همایه آزاری را قطع نمایند
 آیا باز هم باید هر روز دولت را متوجه ساخت
 که زیاده بر این نمیتوان در جلو این حوادث پر
 خطر لاقید و لا ابالی ماند .

بقیه دارد

حد کلمه در بیان حق و واقع

انسان گزیده ترین محصول حیات سرلت است
 حیات اقوام با قصبای زمان و بگردش دوران
 تبدیل میشود ترقی و تمدنی افکار و احساسات
 همه وقت دچار تحول و استحاله است با دانه
 که گاهی یک عصر شاه چنین نحو تحولات شده
 است .
 در ادوار قدیم فروش انسان مانند مال التجاره
 مشهور و در حه اعلا پسندیده بود ولی افکار حاضر
 از این خصله متفرقت افلاطون آن حکیم بزرگ

امارت با مدوح و از لوازم حمیت میباشد
 حالیه در میان اقوام شرازیت آرا و افکار احلافا
 زیادتی است مثلاً اردپاشها از دواج واحد را
 قاطند ولی در بعضی ممالک حتی این خصله را که
 خطای صرف است جریان دارد که یک زن
 میتواند در یک خانه دوتنه شوهر شروع داشته
 باشد مثلاً از برای مانفیس ترین روابط ریحی شکل
 ؛ و عطریات است ولی در مغولستان بوی سیر
 از عطریات درجه اول شمار میرود و در حالتیکه از بوی
 سیر کمال متفرقا داریم

خوبی و بدی این دو صفت خاصه که در طبیعت
 موجود شده و یا احکامی هستند که بحکم طبیعت
 داده شده است این سوالات علمای هر عصر را
 ساخته و هر یک بیک ترتیب اظهار عقیده نمائند
 زیبایی در نظر هر کس بیک درجه نیست بعضی
 از عقیده بعضی از سیاه محطوط میشوند اگر مطلقاً
 خوب بود چرا همه او را دوست ندارند بچنین در سیاه
 این ایراد دارد است

ولی اخلاق مطلقه (maralite absolute)
 نباید این طور باشد مطلقاً خوب یا بد بوده است
 ترقیات هر زمان این امر را تا کید میکند تحولات
 کلمات نیز از تبدلات عالم خارج نمانده هر لغت
 و کلمه نه در میان ملل مختلفه بلکه در میان یک
 ملت معانی متعدده دارد مثلاً عیب یک طر
 است مشترک ولی هر یک از اقوام بخوی او را
 تعبیر میکنند
 در جزایر (هائیتی) (فونچی) استرالیای مردمانها
 بر رینه گردش میکنند و او را عیب نمیدانند عیب

برای آنها چیزهای دیگر است کلمات مثل اخلاق
 معنویات، روح عشق، وظیفه، ادراک حقوق
 الی آخر مثلاً اخلاق را بچنانیکه یک مرد عوام
 نشانه است خواص و ارباب علوم معانی دیگر
 را از او مستنباط میکنند و لغت حق بشیرازی
 وارد ولی اصل معنی مطابقت با مقصود است
 یعنی چیزی که نفس الامر مطابقت داشته باشد
 است ولی در این باب جای سوال است که آیا کدام
 قوتی تو ضیح و تقدیر خواهد نمود که این خبر نفس الامر
 موافق است یا نه جمعی از علما میگویند که عقل سانه
 از برای فهم و ادراک حقوق کافی است
 قسم دیگر قائلند که عقل سلیم بدون فوق قوه
 بشر نمیتواند حقایق حقوق را احاطه نماید
 کلمه حق مرکب از دو چیز میباشد یعنی قانون
 که بافعال بشریه باینسی تطبیق شود و دوم اختیار
 انانیت در راه ثواب و خطا اجتماع این دو عنصر
 از یک طرف مسئولیت (یعنی وظیفه را) از طرف
 دیگر مصونیت (یعنی حق را) تولید میکند و البته
 این قضیه مربوط بحریت است
 زیرا کسیکه دارای حریت نشد مسئول نشود
 پس تعریف حق مصونیت و امنیت از برای ادا
 وظیفه است که انسان با او مکلف شده در مفهوم
 حق میان علما اختلاف بسیاری است
 در انگلستان (موبس) حق را فقط منفعت
 و قوت پنداشته (لوق) منفعت و حریت را
 رکن حق میدانند (کوت) و علمای دیگر در این قضیه
 هستند که حق از وضعیات متقابل افراد است
 ضرورتاً حاصل شده است بجهت انضمام و منافع

جمعی از علما خواستند عقاید مختلفه را که خالی از حر
 و خطر نبوده تالیف کنند (فانت او شاکر فانت
 او در المان (او کوست) و (پوزی سولت) و
 در فرانسه (بنیام) و (سوتات میل) و (گلن)
 از برای توحید آراء و خیال کار کرده بنیایه حق را
 در سه عنصر قرار داده اند .
 منبع حقوق حیت در مخصوص آراء و اقوال
 بسیار است عده از علما میگویند که منبع حق لامب
 تی است و تقسیم کننده حقوق مخلوق فقط همان
 قوه الهیه است ادیان با قوانین خودش حافظ
 حقوق عموم میباشد .
 بریلیو و مارزین (از وزرای فرانسه) که جدا
 مسلک روحانیت و از مشهورترین فراعصر
 خودشان بودند این تقسیم حقوق را بدرجکمال
 مقرر نمودند و در باره پادشاهان معتقدت بر بی
 داشتند باین معنی که پادشاه چون بحکم و اراده
 خداوندی منصوب میشود باین جهت فقط بخدا
 مسؤل است نه بملت حقوق و قوانین برای
 حمایت ملت است و مقام سلاطین بالاتر
 از آن حقوق میباشد .
 برخی میگویند نشأ حقوق بشری عقلی است
 و از وضع اجتماعات انسانی ضرورتاً ظهور کرده
 کرده بچنین عدالت ابداع بشری است
 و انسان که اوصاف متضاده را جامع است
 از قبیل غضب رحمت، ظلم عدل، پس وظیفه
 قانون که عدالت با قرب بعدالت است
 در میان قوای متضاده جمعیت تا چه پای ممکن خواهد
 بود عدالت محض در عالم متصور نشده است

اجتماعی محتاج ارتباط است که بوسیله آن توطئه
 حیات و دوام خویش را محافظه کرده بجلاوه
 حفظ موجودیتش برای توسعه نفوذ و قدرت
 خویش سعی باشد این هم بخیرین اداره
 مطابقت قوانین و عقل سلیم میسر خواهد شد
 هر قوم بر حسب مزاج و استعداد و کیفیت افراد
 خود در مطابق شرایط زندگی و باید از آن قدری
 مادی و مضمونی موافق میل اکثریت وضع قوانین
 میکند پس حقوق اثر واضح است و مقصود از
 این نه ملاحظه افراد بلکه ملاحظه سعادت و منافع
 عموم است.

آخرین عقیده که بقانون تکامل و تکامل

اجتماعی مربوط است

طرفداران این عقیده در طریقی هستند مثل
 لئون بورژوازیس سابق کابینه فرانسه و بسیاری
 از اشخاص معروف تابع این عقیده میباشند
 میگویند حقوق اثر واضح نبوده است و آن ناشایسته
 است که بخودی خود از طرف جمعیت ابراز شود
 حقوق حاصل از معاملات و مناسبات افراد است
 قوانین و اداره هر قوم شاهد لیاقت و در قیاس
 آنقوم میباشد اما با ایرانیان در بدلول حقوق
 چه عقیده داریم حیات اقوام چه در خصوص و حیات
 چه در نظرات تا ما محصول تاریخی است

بیک قوم علم و صنایع جدید را آموزش
 سهل است ولی کتاب اخلاق و روح جدید
 اخلاقی تعیین مسلک تبدیل عادات محتاج مبرور
 زمان است این نحو تحولات عمیق فقط در پس
 اعصار محکم خواهد بود ایرانیان قدیم زانیکه دارای

وقت بودند اطلاق و خصایل ایشان نسبت به ام
 ملل عالی تر و حقوقشان نیز نسبتاً موافق عقل و عدل
 بوده تاریخ بهترین شایده است که ایران قدیم
 اخلاق و آئین نیکش داشته که این دو صفت
 بزرگ غالباً شدت ظلم و استبداد و طبع خشن
 جنگ آوری را تخفیف و تعدیل کرده و مصدر
 و قایم عظیمه میشدند باین جهت دوسره با همی بود
 و اعتداف در حیات قدیم ایران مادی و کسب
 بوده اگر هم بر روز طغی می شد غالباً با انصاف
 خارج بازار تا جدا از ان غیر ایرانی بوجود می آمد
 ایرانیان قدیم بحسن سلوک مشهور و بیادینک
 نسبت بمالک منقوره و اجانب شاعر خود قرار
 داده بودند در قدیم رسوم حقوقی ملل خارج این
 بود که غیر خودشان از اداری حقوق ندانستند و
 خون سایرین یا غالباً بوج میدانشند ولی حقوق
 ایرانیان چه از برای اجنبی و چه از برای ایرانی تفاوت
 نداشته اصول (قاست) یعنی تقسیم صنوف مختلفه
 جمعیت که اولین علت خرابی است و قوانین
 منقوره (توسندت) یونانی را در انخوده
 (متوقلس) فرما نقرامی قدیم با آنهمه خصوصیکه
 با ایرانیان نموده بود زمانیکه از وطن خویش
 مجبور بفرار شد امن تر از ایران محلی را ندید که حاج
 قنوت ایرانیان پناهنده و تمصب وزارت
 منقور کردید افسوس هزاران افسوس که ایرانیان
 برای معاشرت بی ترتیب با ملل بی اخلاق
 اخلاقشان فاسد و روح پر ایمان و قوامی
 آنها ضعیف گشته و حکم قطعی تاریخ درباره آنها
 تقریباً مجری شده و میشود اسباب انزال بکت

ملکت و مملکت یک ملت نه تنها اداره شود بلکه
 وی و نه جهالت و نه فقر و ضرورت است بلکه
 اصلی ضعف قوامی روحیه و فساد اخلاق است
 که اوصاف فطری و بایه اشخاص قومی و حیاتی
 برای همان مصادف بازوال میگردند
 افکار حقوقی ایرانیان حالیه شکل و شکل گشته
 بدون شبهه اخلاق لویه را و جدت شد چاره ای
 اینکه این ملت بعد از استیلا می نمود تا امروز
 جز تقلب و تحکم و کمالش های بی اصل چربی
 ندیده و طبیعتشان باین خصایل غیر مستحبه
 نارس شده اگر مردم را با نظر عمیق نگاه کنیم
 معلوم خواهد شد وضعیات این مردم چیست
 است

خود اقدام نیکند اقدام دیگران را تصدیق ندارد
 پس ایشان را بر روز صد و پنجاه هزار سال قسم
 میدهم که بفرمایند تکلیف چیست چه باید کنیم
 کرد

گیلانیان مرده بدیندی
 از قراریکه میثوم دولت نه فکر تعیین حاکمی از برای
 گیلان است خدا کند که این خیال وجود خارجی
 پیدا کرده مردم این حد و در این موقع یک
 ازنی تکلیفی آسوده نمایند
 گیلانیان بجای باید بندورات و دوچار خسته
 که شاید آن شاء الله تا سال دیگر در پچه روبرو
 رنگ حاکم را دیده باشند

مکتوب

جریده فریده وطن را مشوقه باین نکته مینایم
 که خبر راجع بنایند جنگلی با در قزوین و سایر
 اجباری که آن جریده فریده بر طلاف امال یک
 ملتی درج میکند بی اصل است بهترین است
 هر خبری را بعد از ثبوت صحت آن و صدی هم با
 ملاحظه جهات و جهانی درج فرمایند

تقریر

جریده شریفه کاشف است از نسله اصحاب
 که بطرز کار نکاتور با اسلوبی سیکو بدیرت
 آقای مؤید الشریعه گیلانی قدم بر صحنه مطبوعات
 گذاشته مطالعه شماره ششم خود را با امال
 ننوده موفقیت آن مدیر محترم و کارکنان
 آن گرامی جریده را از حضرت بزرگان تشکر داریم

یک سوال مختصر

وزارت داخله - متعذرات که در ستادون
 حکام باید بمیل و اراده دولتمن روس و انگلیس
 باشد بدین ملاحظه موفق میثوم مطابق امال ملت
 حاکم صحیح العمل تعیین نمایم
 وزارت جنگ - میگوید که برای ممانعت و خلا
 همایکان نمیتوانم موفق به تشکیلات قسونی گردم
 چنانچه دستهای خارجی باعث شده اند که در
 منحل گردید
 وزارت مالیه - اظهار میکند نظریات سوید
 داخله آنها باعث میشود که خزینه دولت همیشه
 تنگی است دستشان از خارجی را هم نمیکند دارند
 رسا داخل علیات شوند چنانچه مستر شوستر
 امریکائی را گذاشته

ولی وزیر عدلیه ز چه قدری خواهد بود!

قانون اساسی آلمان را در عدل مطلق

اصل ۱۳ - تفریق یک قطعه بزرگ از خاکه دولت نام
اصل ۱۵ - نقاب تمام املاک مردم و گوشه‌های آن
بناهای مظلومین .

اصل ۱۷ - هر کسی برای حقانیت مظلومین اقدامی
نماید با میل علیه عالیه منافی خواهد بود .

اصل ۹ - در پراک حاج میرزا ابراهیم آقا کتین
دادن و دو مخ سلام و جمعی از احرار را با آن بر
که اصل هم مخرج است بچک محمد علی میرزا بسلاحت
های وحشی دادن است .

رایورت

آژانس پیاده از طهران خبر میداد که هر کس برای
تفریح باغ فردوس بروید یک هزار مصلی خواهد خورد
صرف هزار اگر در بعضی از جزایر باشد بجهت مصلی
خواهد شد اگر معین و با جواز اهل بو شهر باشد مسلماً
نفع کامل میرسد .

باین دلیل

که چند ساعت و چند دقیقه قبل از ظهر همان روز یک
بدر رفت باغ فردوس هزار مصلی خورد و عجب
حاکم است و مقرر حکمرانی خود را کرده بود و در این
منظرم بدر دیگر آن باجر مقصود خود داخل شوند
علاقه - فام مقام الملک شریعت زاده از یک علقه
بآب خاک کبلان وارد بجهت های جزایم مساحت پوی
دختر جوی هید که مباد این ورود بکبلان خسارتی وارد
چنانچه در باغ فردوس امتحان دادند .

راه کانی حضرت حاج معاذ الله و خوب است باغ فردوس
تشریف نماند و تفریح نمایند میل کنند در این صورت مصلی
ایشان منعت خواهد رسید و گوشه‌های آن را باغ گوشه دان
(صورتین) آسوده خواهد ماند .

خرید سربند
تبریک

آژانس پیاده آژانس رو ترنچ در شان ایتالی را بیک
میگوید .

با سخاوت

دولت ایتالی است که حاصل زحمات دو سه ساله
خودش را بیک خواهرش دوستانه دولت اطریش تقدیم کرد
پهلوان زبردست
دولت جهانی است که قبل از گشتی زمین خورد

توجه

تمام دول دنیا هستند که با فشاری نموده هر چه در
تیم دولت بریطانی نمیکند انصافاً اگر تمام انصاف
کرده بودند آیا هیچ جنگی حادث میشد ؟

نوع سربند

دولت فیمه انگلیس است که تمام ساکنین کرده را
برای ترقی نوع انگلیس کتین میداد .

مقصد

دولت ایران است که چرا افتخار انیمیزدستانند

باز هم تبریک

خدمت کابینه حاضره از عضویت حضرت اشرف قوام
السلطنه تبریک میگوئیم نشاء الله از این جن اشحاب
رو (وطن) علاج خواهد شد

سوال و جواب

س - حاج شمس السلطنه چرا پیش کار آذربایجان میروند ؟
ج - برای اینکه دست شکسته و بال کردن است
وطن با یک با هم و دو وجهی دارد .
شجرت آقای علا السلطنه در کارهای دولتی مذموم .
ولی سر مردی بسیار اعظم و فرمانروا و امثال آنها صحیح
خدا با وطن ما را یک هواکن